

زهرا دیانتي دیلمی^۱

محمد حنیفه زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۳

چکیده

امروزه ابزارهای مالی، یکی از ارکان لاینفک زندگی بشر است. تحقیقات نشان می دهد هرچه سطح سواد مالی افراد یک جامعه بیشتر باشد، رونق مبادلات مالی و سطح رفاه افراد آن جامعه نیز بیشتر می شود. به همین خاطر است که در دهه اخیر اقدامات قابل توجهی توسط افراد و ارگان های دارای صلاحیت های علمی معتبر نظیر بانک جهانی و فاین اسکپ و نظیر اینها در راستای معرفی، ارزیابی و شیوه های بهبود سواد مالی افراد ارائه گردیده است. لذا با توجه به اهمیت بالای سواد مالی برای جوامع، در تحقیق حاضر وضعیت سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن از طریق توزیع پرسشنامه بین ۴۱۰ خانوار در سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که وضعیت سواد مالی این افراد در حد مطلوبی نیست و نیازمند و علاقمند به بهره مندی از راهنمایی متخصصانی با عنوان "مشاور مالی خانواده" هستند. در ضمن علاوه بر بررسی وضعیت سواد مالی، به عواملی چون سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان درآمد، رشته تحصیلی، انباشت سرمایه و محل سکونت (هر یک به عنوان یک فرضیه مستقل) پرداخته و روابط بین آنها را بررسی نموده که وجود ارتباط بین آنها و سواد مالی تایید شده است. از اینرو آموزش و اطلاع رسانی به عنوان راهکارهای اولیه توسط نهادهای دولتی ویا موسسات علمی و همچنین جامعه حسابداری پیشنهاد می شود.

واژه های کلیدی: سواد مالی، مالیه خانواده، محصولات مالی، خدمات مالی، دسترسی به ابزارهای مالی، مشاور مالی خانواده.

۱- استادیار گروه حسابداری دانشگاه علوم اقتصادی عضو انجمن مهندسی مالی ایران و نیز انجمن حسابداری مدیریت ایران (نویسنده مسئول)

ahrdianati@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم اقتصادی mohammad.hanifezadeh@foursat.com

۱- مقدمه

۱- تحصیلات مالی را از طریق برنامه های افزایش مهارت مالی در تمام سطوح اقتصاد بهبود و ارتقا بخشند و ۲- دسترسی به خدمات مالی را افزایش دهند. بدین ترتیب آموزش مباحث مالی به منظور افزایش سطح سواد مالی، به عنوان یک مکمل حمایتی برای مردم در نظر گرفته شد (آدله آتکینسون^۴ و فلور-آنه مسی^۵، 2012) تا ایشان توانایی لازم برای مدیریت مجموعه ای از محصولات مالی مثل طرح بازنشستگی^۶ و وام رهنی^۷ را بیابند و بتوانند تصمیمات مالی درستی بگیرند.

در حمایت از این اقدام، برخی کشور های در حال توسعه نظیر اندونزی، سال 2008 را سال تحصیلات مالی نامگذاری نمود. هدف از این اقدام، بهبود دسترسی به خدمات مالی و افزایش استفاده از آنها به واسطه ارتقا سطح سواد مالی بود. به طور مشابه در هند نیز در سال 2007، ریزرو بانک^۸ در تاسیس مراکز مشاوره اعتباری و سواد مالی^۹ در سرتاسر کشور هند پیش قدم گردید که در این مراکز تحصیلات مالی و مشاوره رایگان برای افراد شهر نشین، حومه نشین و جمعیت های روستایی عرضه می گردید. بدین ترتیب، برنامه های سواد مالی و ارتقا سطح آن به عنوان یکی از عناصر کلیدی بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح سیاست های مالی، به سرعت در سراسر دنیا گسترش یافت.

کشور ایران نیز که حرکت در مسیر خصوصی سازی اقتصادی (اصل ۴۴ قانون اساسی) را در پیش گرفته است، شدیداً نیازمند بستر سازیهای مناسب برای اجرای موفق خصوصی سازی می باشد. یکی از این بستر سازی ها، افزایش سطح دانش و آگاهی عموم جامعه در خصوص مسائل مالی است. برای مثال در بسیاری از کشور ها، برنامه ریزی برای دوره

واژه "سواد مالی"^۱ دربرگیرنده مفاهیمی نظیر آگاهی مالی^۲، مهارتهای مالی^۳ (مهارتهایی همچون توانایی محاسبه بهره ترکیبی، مدیریت پول و برنامه ریزی مالی) دانش و علم در خصوص محصولات^۴ و موسسات مالی است. البته این مفاهیم بعضاً در عمل با هم همپوشانی دارند.

در جوامع توسعه یافته در مقایسه با جوامع دیگر، درصد بیشتری از مردم با واژه هایی نظیر پول، اوراق بهادار، صکوک و مواردی از این دست، آشنایی دارند. در کشورهای کم درآمد، توسعه یافتگی مالی خیلی محدود تر اتفاق می افتد و محصولات تخصصی و پیشرفته وجود ندارد و اگر هم وجود دارد درصد بسیار کمی از مردم توانایی و دانش کافی برای استفاده از آنها را دارند. البته مطابق تحقیقات انجام شده، سطح سواد مالی مردم در این کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز چندان رضایت بخش نیست. برای مثال می توان به تحقیق لوزاردی^۵ و میچل^۶ (2011b) در آمریکا، تحقیق فورنرو^۷ و مونتیکن^۸ (2011) در ایتالیا، تحقیق آلنبرگ^۹ و سودنبرگ^{۱۰} (2011) در سوئد، تحقیق کول و همکاران^{۱۱} (2010) در هند، تحقیق بهرمن و همکاران^{۱۲} (2010) در شیلی و تحقیق کول و همکاران (2010) در اندونزی اشاره کرد.

لذا مهمترین دلیلی که در ژانویه سال 2008 همزمان با اوج گیری بحران های مالی اروپا، افراد بسیاری با کوهی از ضرر ها و فشارهای روانی مالی روبرو نمود، پایین بودن سطح سوال مالی مردم بود. در چنین شرایطی دولت ایالات متحده آمریکا، به دستور رئیس جمهور، هیأتی را به نام مشاور مالی رئیس جمهور^{۱۳} در حوزه سواد مالی تشکیل داد تا

مساله این تحقیق این است که وضعیت سواد مالی در بین خانواده های تهرانی را مشخص نموده و عوامل مرتبط با آن را نیز شناسایی نماید.

با توجه به مساله اصلی این تحقیق مبنی بر مشخص نمودن وضعیت سواد مالی خانواده های تهرانی و شناسایی عوامل مرتبط با آن و در راستای اهداف تعیین شده و همچنین با در نظر گرفتن یافته ها و نتایج پژوهش های صورت گرفته در کشور های دیگر، این تحقیق به دنبال پاسخ به سوالات ذیل است؛

- ۱) آیا میزان سواد مالی با جنسیت افراد رابطه دارد؟
 - ۲) آیا سن افراد با میزان سواد مالی آنها رابطه دارد؟
 - ۳) آیا سطح تحصیلات با سطح سواد مالی افراد رابطه دارد؟
 - ۴) آیا محل سکونت (موقعیت های جغرافیایی) با میزان سواد مالی افراد رابطه دارد؟
 - ۵) آیا رشته تحصیلی سرپرست خانواده با میزان سواد مالی آنها رابطه دارد؟
 - ۶) آیا سطح سواد مالی افراد با میزان انباشت سرمایه آنها رابطه دارد؟
 - ۷) آیا سطح سواد مالی خانواده های تهرانی در وضعیت مطلوبی است؟
- لازم به ذکر است که در این تحقیق، موضوعاتی چون سیستم استقراض مالی خانواده ها، آگاهی آنها از محصولات مالی موجود و نگرش آنها نسبت به موسسات و بازارهای مالی رسمی به طور ضمنی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

در کشورهای پیشرفته از اوایل دهه ۹۰ میلادی، مباحث سواد مالی و مالیه شخصی مطرح و مورد

بازنشستگی (طرح های بازنشستگی)، بیمه های اجتماعی، تامین مالی و از این قبیل موارد، به بخش خصوصی واگذار گردیده و افراد بصورت فردی ملزم به تصمیم گیری، انتخاب و برنامه ریزی هستند. حتی با عرضه سهام شرکتهای مشمول خصوصی سازی در بورس اوراق بهادار، رونق این بازار نیز در گروی حضور فعال مردم و بنگاههای اقتصادی است که دانش کافی از بازار بورس و معاملات آن دارند. لذا ارتقا سطح سواد مالی در بین افراد به خصوص گروه های آسیب پذیر جامعه، موجب بهبود مدیریت پول فردی، برنامه ریزی های مالی، تصمیم گیری های آگاهانه، استفاده درست از فرصت های مالی و در یک کلام رفاه و رضایت اجتماعی خواهد شد. علاوه بر این در برابر شوک های کلان اقتصادی مقاوم تر، رفتارهای پس اندازی بیشتر و میزان استقراض های پرهزینه کمتری را شاهد خواهیم بود (آدله آتکینسون و فلور-آنه مسی 2012).

اگر بخواهیم فضای اقتصادی موجود در کشور را ترسیم کنیم، می توانیم هرمی را در نظر بگیریم که در نوک آن مدیران و مسئولین عالی رتبه قرار دارند، پایین آن عموم جامعه و در سطوح میانی افراد متخصصی که به این دو گروه خدمات ارائه می دهند. جایگاه حرفه حسابداری به نوعی خدمت رسانی به طبقه ی بالا در این هرم بوده است و همیشه خود را در کنار آنها جای داده است. اما نگاه متفاوتی که در این تحقیق تلاش شده به آن پرداخته شود، توجه به قسمت پایین هرم یعنی عموم جامعه است تا با ایجاد انگیزه در حرفه برای تحقیقات و مطالعات اساسی بیشتر در این حوزه و شناساندن بیشتر توانایی های حرفه حسابداری به جامعه، رسالت خود را تکمیل نماید. از اینرو دغدغه و

به بررسی عوامل موثر بر سواد مالی (سن، جنس، سطح تحصیلات و سطح درآمد) و تاثیر این سواد بر برنامه‌ریزی بازنشستگی ۲۸۰ نفر در شهر کرمانشاه پرداختند. نتایج این تحقیق بیانگر موثر بودن عوامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و سطح درآمد افراد بر سواد مالی آنها و در ادامه موثر بودن این سواد مالی بر برنامه‌ریزی بازنشستگی موثر آنها است. نتیجه این تحقیق مشابه با تحقیق لوزاردی و میچل (2007) است که نشان می‌دهد خانواده‌هایی که از لحاظ سواد مالی در سطح پایینی قرار دارند، تمایل آنچنانی به برنامه‌ریزی برای بازنشستگی نشان نمی‌دهند. همینطور این خانواده‌ها استقراض‌هایی با نرخ‌های بالاتر می‌کنند (لوزاردی و توفانو، 2008؛ استنگو و زینمن، 2009)، دارایی کمتری برای خود تحصیل می‌کنند (لوزاردی و میچل، 2007b) و نسبت به هموعان خود که از لحاظ سواد مالی در سطح بالاتری قرار دارند، کمتر در سیستم مالی رسمی کشور مشارکت دارند (آلسی و همکاران، 2007؛ هوگارت^{۲۰} و او دونل^{۲۱}، 1999).

کول و همکاران (2009) در تحقیقی که در دو کشور پرجمعیت جهان یعنی هند و اندونزی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین سواد مالی و رفتارهای مالی رابطه قوی وجود دارد. لورا کلاپر و همکاران (2012) در مطالعه‌ای که در کشور روسیه انجام دادند به این موضوع اشاره می‌کنند که افراد دارای سطح سواد مالی بالاتر با احتمال بیشتری اعلام خواهند کرد که در پایان ماه، پول مصرف نشده‌ی بیشتری از حقوقشان را در اختیار دارند؛ در نتیجه قدرت و ظرفیت مصرف بالاتری خواهند داشت. در این تحقیق که از سال 2002 تا 2008 به طول انجامید و بیشتر بر روی نقش سواد مالی در شرایط بحران مالی تمرکز داشت، چنین ادعا می‌شود که رابطه‌ی

توجه محققین و صاحب‌نظران قرار گرفته است. به گونه‌ای که امروزه مفاهیم مرتبط با مسائل مالی در کشورهای نظیر آمریکا و انگلستان به عنوان بخشی از سرفصل دروس دبیرستان‌ها و رشته‌های مختلف دانشگاهی تلقی می‌گردد. در این کشورها بنیادهای غیر انتفاعی متعددی وظیفه توسعه سواد مالی را عهده دار بوده و با انجام آزمون‌های متعدد به اندازه‌گیری پیشرفت سواد مالی در کشور خود می‌پردازند. علیرغم اهمیت سواد مالی، تاکنون مفاهیم و موضوعات مرتبط با آن در ایران کمتر مورد توجه بوده است. به نحوی که تنها سه تحقیق در زمینه سواد مالی در ایران یافت شد. اولین تحقیق در سال ۱۳۸۷ توسط بانک مرکزی انجام شده است که صرفاً جنبه آماری دارد و به میزان آشنایی افراد با مفاهیم مالی و میزان دسترسی آنها در کل کشور اشاره نموده است. این تحقیق شناخت لازم از وضعیت سواد مالی را با تعریفی که بیان شد تامین نمی‌کند.

تحقیق دوم، توسط یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان ارائه الگویی برای سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی انجام شده است. ایشان در این تحقیق با استفاده از روش دلفی فازی، ضمن تشریح مفهوم سواد مالی و مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، با استفاده از تکنیک دلفی فازی برای کسب اجماع ۱۲ نفر از خبرگان مالی کشور (به عنوان پانل دلفی) و توزیع پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۵ سوال برای سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی، توانستند الگویی برای سنجش سواد مالی در سطح دانشگاه‌های کشور ارائه دهند.

تحقیق سوم، توسط آزادی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان "سواد مالی و عوامل تاثیرگذار بر آن و تاثیر آن بر برنامه‌ریزی بازنشستگی" انجام شده است که

مالی بیشتر در بین افراد بسیار جوان و یا مسن رایج است. یعنی دقیقاً گروه هایی که نقش افراد دارای سطح سواد مالی پایین را در بسیاری از تحقیقات بازی می کنند (آگاروال و همکاران، 2009).

پژوهش های فراوانی نیز در خصوص، رابطه ی ویژگی های اجتماعی و آماری (دموگرافیک) در سطح خانواده و نیز در سطح صاحبان کسب و کار، با سواد مالی صورت گرفته است (بک و همکاران، 2007؛ لوزاردی و توفانو، 2008؛ کریستلیس، ژاپلی و پادولا، 2010؛ لوزاردی و میچل، 2007b؛ لوزاردی و میچل، 2007a؛ استنگو و زینمن، 2009؛ آلمنبرگ و وید مارک، 2011؛ بنروج، لوزاردی و آلسی، 2011) که یافته های این پژوهش ها به شرح زیر است:

- تقریباً در همه جا، زنان از سطح سواد مالی پایین تری برخوردار هستند.
- رابطه سن با سواد مالی به شکل U معکوس می باشد.
- تفاوت های جغرافیایی، قومی / نژادی بر سطح سواد مالی افراد تاثیر دارد.
- سواد مالی با سطح بالایی از درآمد و تحصیلات ارتباط دارد.

لوزاردی و میچل (2011 b) در تحقیق خود در کشور آمریکا به این نتیجه رسیدند که زنان عموماً با احتمال کمتری به سوالات در خصوص مسائل مالی پاسخ صحیح می دهند و بیشتر از گزینه «نمی دانم» برای پاسخ دادن استفاده می کنند که ناشی از محافظه کارتر بودن آنها در خصوص سواد مالی است و منجر به ارزیابی بیش از حد واقع نسبت به خود می گردد. در تحقیقی دیگر که توسط موسسه اینتر مدیا^{۲۷} (2010) بر روی جوانان کنیایی و غنایی صورت گرفت نیز تفاوت بین زن و مرد در خصوص

بین سواد مالی و در دسترس بودن درآمد مصرف نشده، در طی بحران های مالی مشهود تر است و صریحاً بیان می دارند که سواد مالی بهتر قادر است تا افراد را در برابر شک های کلان اقتصادی آماده کند. این تحقیق توجه حرفه را به سمت و سویی جدید سوق می دهد؛ و آن استفاده از داده های پانلی^{۲۲} در زمینه سواد مالی است. در تحقیق های برنهم^{۲۳} (1995 و 1998) این موضوع روشن شد که بیشتر خانواده ها فاقد دانش و علوم پایه هستند و نمی توانند محاسبات بسیار ساده را انجام دهند و همچنین رفتار پس اندازی بیشتر آنها مبتنی بر یک سری اصول و قواعد کلی بی پایه و اساس که عموماً غیر قابل اتکا هستند، می باشد. نتایج چندین تحقیق دیگر نیز مبین این موضوع است که افراد دارای توانایی بالاتر در حوزه علوم ریاضی و سواد مالی به احتمال بیشتری در بازارهای مالی شرکت داشته و بر روی سهام سرمایه گذاری می کنند (کریستلیس و همکاران، 2010؛ یونگ و هونگ، 2010؛ آلمنبرگ و وید مارک، 2011؛ بنروج، لوزاردی و آلسی، 2011). نتیجه بورلی^{۲۴} و همکاران (2003) نیز بیانگر وجود رابطه قوی بین سواد مالی و مدیریت مالی روزانه افراد است. در این تحقیق سواد مالی با رفتارهایی مثل پس انداز کردن، ثروت اندوختن^{۲۵} و انتخاب سبد خرید (پورتفو) ارتباط داده شده است.

البته تحقیقات دیگر نشان می دهند که سواد مالی تنها بر قسمت دارایی ها در تراز نامه خانواده ها تاثیر ندارد، بلکه بر روی بدهی های این تراز نامه نیز تاثیرگذار می باشد. مور^{۲۶} (2003) یکی از اولین کسانی بود که مدعی شد، افرادی که دارای سطح سواد مالی پایین تری هستند، وام های رهنی پر هزینه تری دارند. در تحقیقی جالب که بر عوامل درونی متمرکز است، اشاره به این می شود که اشتباهات

سواد مالی نوجوانان از اواخر سال 1990 رو به کاهش بوده است. لذا می‌توان چنین فرض نمود که: **فرضیه ۲- بین سن افراد و میزان سواد مالی آنها رابطه وجود دارد.**

لوزاردی و میچل (2011 a) در تحقیق خود بیان می‌دارند که تحصیلات، پارامتر تبیینی ضعیفی برای ارزیابی سطح سواد مالی افراد می‌باشد. اما در تحقیق دیگر آنها (2011 b) اشاره به این موضوع می‌شود که افراد با تحصیلات پایین (فاقد مدرک دیپلم) در آمریکا به احتمال کمتری به سوالات پاسخ صحیح می‌دهند. این الگو تقریباً در تمام کشورها دیده شده است. چندین مقاله نیز اشاره به این موضوع دارند که افراد با توانایی‌های بالاتر در علوم ریاضی و مسائل مالی با احتمال بیشتری در بازارهای مالی شرکت دارند و بر روی سهام سرمایه‌گذاری می‌کنند (کریستیس، ژاپلی و پادولا، 2011؛ یونگ، 2011؛ آلمنبرگ و دربر، 2011؛ آلمنبرگ و ویدمارک، 2011؛ بنروج، لوزاردی و آلسی، 2011). با این تفاسیل می‌توان چنین فرض کرد که:

فرضیه ۳- بین سطح تحصیلات و سطح سواد مالی رابطه وجود دارد.

در مالاوی^{۳۰}، مناطق مرکزی و شمالی نسبت به مناطق جنوبی تمایل بیشتری برای دسترسی به خدمات مالی از خود نشان داده‌اند. مدل‌ها و الگوهای قابل مقایسه‌ای نیز می‌توان در کشورهای با درآمد بالا پیدا کرد. برای مثال در ایتالیا منطقه شمال و مرکز آن از سواد مالی بالاتری نسبت به جنوب آن برخوردارند؛ در آلمان، قسمت غربی آن بهتر از شرق می‌باشد. در برخی مواقع این الگوها خیلی خاص‌تر هستند. مثلاً در آمریکا، بومکرات و همکاران^{۳۱} (2011) بیان می‌دارند که در داکوتای

دسترسی مالی^{۳۲} دیده می‌شود. به جز تحقیقی که موسسه مسترکارد ورد واید^{۲۹} (2011) به طور منحصراً در بین 24 کشور آسیایی، شمال آفریقا و منطقه صحرای ساحرای آفریقا^{۳۰} بر روی زنان صورت داد، نوشتار زیادی در دسترس نیست. در تحقیق مذکور شاخص سواد مالی در زنان با اندازه‌گیری متغیرهایی چون، آگاهی از مدیریت پول (با وزن 50٪)، برنامه ریزی مالی (30٪) و سرمایه‌گذاری (20٪) در بین 10500 نفر ارزیابی گردید.

۳- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه ۱- بین جنسیت و سواد مالی افراد رابطه وجود دارد.

تجزیه و تحلیل‌های به عمل آمده توسط بانک جهانی به واسطه اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌ای که توسط لوزاردی و میچل (2011) تهیه گردید و در بین کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفت، حاکی از این است که در آمریکا افراد بین سنین 25 تا 65 سال حدود 5 درصد بهتر از افراد زیر 25 سال و بالای 65 سال به سوالات پاسخ می‌دهند. لوزاردی و میچل (2011 a) نیز به سخت بودن تشخیص تاثیر گروه و سن بر سواد مالی اشاره می‌کنند. ولی فرض را بر این می‌گذارند که افراد، به احتمال زیاد دانش خود را در گذر زمان انباشته می‌کنند و این دانش با پا به سن گذاشتن رو به زوال خواهد رفت. به طور مشابه، فینک و همکاران (2011^{۳۱})، پایین‌تر بودن سواد مالی در افراد مسن را به نزول و افت در فرایند‌های شناختی که با کهنولت سن مرتبط است، نسبت می‌دهند. ماندل^{۳۲} (2006) نیز متذکر می‌شود که بر اساس تحقیقات صورت گرفته توسط جامپ استارت^{۳۳} در بین دبیرستان‌ها،

فرضیه ۶- بین سطح سواد مالی و میزان انباشت

سرمایه در بین افراد رابطه وجود دارد.

موضوع سواد مالی و لزوم بررسی آن بدین لحاظ با اهمیت است که عدم کفایت سواد مالی، زندگی افراد، خانواده، دوستان و شرکای تجاری آنها را به سبب اتخاذ تصمیمات نامناسب مالی تحت الشعاع قرار می دهد و این امر اثرات نامناسب بر جامعه داشته و حتی سبب کاهش ثروت ملی و در نهایت کاهش سطح رفاه مالی در جامعه می گردد (جعفری ندوشن، ۱۳۹۰). در نظرسنجی که توسط شورای ملی آموزش اقتصادی امریکا انجام در سال ۲۰۰۵ صورت گرفت اشاره گردید که تقریباً تمام بزرگسالان ایالات متحده بر این باورند که داشتن یک درک خوب از اقتصاد و مسائل مالی در زندگی بسیار مهم است ولی رسیدن به این هدف خیلی مشکل و بلند پروازانه می باشد. دولت واشنگتن حمایت خود را نسبت به یک مطالعه در مورد ارزیابی سواد مالی در میان ساکنان خود ابراز کرد (مور، ۲۰۰۳) و به این نتیجه رسیدند که مردم مقدار کمی اطلاعات در مورد ابزارهای مالی دارند. این گونه مطالعات و سایر نوشتارها چنین استدلال می کنند که سواد مالی در کشورهای توسعه یافته پایین بوده و انتظار می رود در کشورهای در حال توسعه نیز پایین تر باشد (OECD، ۲۰۱۲) از این رو فرضیه هفتم را به شرح ذیل ارائه نمودیم:

فرضیه ۷- سطح سواد مالی خانواده های تهرانی

در وضعیت مطلوبی نیست.

۴- روش شناسی تحقیق

این تحقیق از لحاظ دسته بندی بر اساس هدف یک تحقیق کاربردی به حساب آمده و از نظر شیوه

جنوبی^{۳۷} و ایداهو^{۳۸} سطح سواد مالی از آنچه که پیش بینی می شود بالاتر است؛ برخلاف آرایش اجتماعی که مورد انتظار است. همچنین در پنسیلوانیا^{۳۹}، نیوجرسی^{۴۰}، نیویورک^{۴۱} عکس این امر صادق است. با در نظر گرفتن این موضوع می توان چنین فرضیه ای را مطرح نمود که:

فرضیه ۴- بین محل سکونت افراد و سواد مالی

آنها رابطه وجود دارد.

چون این تحقیق در حوزه رشته حسابداری صورت گرفته، محقق برآن شده تا تاثیری را که حسابداران بر سطح سواد مالی افراد خانواده خود دارند، با فرض ذیل بررسی نماید.

فرضیه ۵- بین رشته تحصیلی سرپرست خانواده و

سطح سواد مالی خانواده ها رابطه وجود دارد.

تحقیقات به عمل آمده بر این موضوع اشاره دارند که بین سواد مالی و درآمد رابطه وجود دارد. برخی نیز بر روی تاثیر علی سواد مالی بر انباشته کردن ثروت تمرکز دارند. بهرمن و همکاران (2010) با تجزیه و تحلیل رگرسیون متغیرهای ابزاری^{۴۲}، به تاثیر علی سواد مالی بر انباشته کردن ثروت در آمریکا پی بردند. ژاپلی و پادولا (2011) مدلی موقت در زمینه سرمایه گذاری در سواد مالی ارائه می کنند که در آن نشان می دهد سواد مالی و ثروت در چرخه زندگی با یکدیگر همبسته هستند. بهرمن و همکاران (2010) بر روی رابطه بین سواد مالی، تحصیلات و انباشت ثروت خانواده ها در شیلی^{۴۳} تمرکز دارند. آنها دریافتند که سواد مالی تاثیر بیشتری نسبت به تحصیلات کسب شده بر ثروت دارد. بنابراین فرضیه ششم تحقیق بصورت زیر مطرح می شود که:

گردیده است. تعداد نمونه برای ساکنین مناطق بیست و دو گانه تهران با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با سطح خطای ۵ درصد حساب شده است که مطابق جدول ۱، تعداد ۳۸۵ خانوار شهر تهران به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۵- نتایج پژوهش

فرضیه اول: بین جنسیت و سواد مالی افراد رابطه وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه، ابتدا میزان سواد مالی برای دو گروه جنسی مرد و زن مقایسه می‌گردد. (جدول ۲). با توجه به مقدار میانگین های سواد مالی برای دو گروه زن و مرد می‌توان گفت که سواد مالی مردان در سطح بهتری از سواد مالی زنان قرار دارد. برای بررسی معناداری این تفاوت لازم است از آزمون استنباطی استفاده شود.

از آنجا که پراکنش احتمال تراکمی مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار برای متغیر سواد مالی و نیز نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف بیانگر نرمال نبودن متغیر سواد مالی است، لذا برای آزمون فرضیه ۱ از آزمون ناپارامتری من ویتنی و ویلکاکسون استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول ۳ آورده شده است.

گردآوری داده‌ها (طرح تحقیق) از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است. همچنین از لحاظ تئوری، از نوع تحقیقات اثباتی می‌باشد. از نظر دسته‌بندی تحقیقات بر اساس مکان نیز می‌توان این تحقیق را مشمول تحقیقات میدانی دانست. درضمن این تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی است.

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه است. سوالات این پرسشنامه، مبتنی بر پرسشنامه تحقیقات به عمل آمده توسط کارگروه های بانک جهانی (لوزاردی و میچل، ۲۰۱۱) و نیز سازمان توسعه و تعاون اقتصادی^{۴۵} و شبکه بین المللی تحصیلات مالی^{۴۶} (۲۰۱۲) است. با توجه به این موضوع می‌توان چنین ادعا نمود این پرسشنامه از اعتبار بیرونی و روایی بالایی نیز برخوردار است. درضمن آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مجموع ۸۴٪ بوده است که بیانگر پایایی قابل قبول آن است.

داده‌های بدست آمده از این پرسشنامه بوسیله طیف لیکرت^{۴۷} کمی شده و از طریق آمار استنباطی و توصیفی داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در سطح توصیفی، از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به تحلیل و توصیف ویژگی‌های جامعه پرداخته می‌شود و در سطح استنباطی به منظور پاسخ به فرضیات و یافتن روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی نقطه‌ای - رشته‌ای، مربع کای پیرسون و آنالیز تناظر استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق، کلیه خانوارهای شهر تهران است که با توجه به اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ تعداد خانوار استان تهران ۳/۳ میلیون خانوار و تعداد خانوار های شهر تهران ۲/۸ میلیون خانوار اعلام

جدول ۱- اطلاعات مربوط به تعداد جامعه و نمونه تحقیق

ردیف	نام استان	نام شهرستان	نام منطقه	خانوار	درصد	تعداد زیر نمونه
1	تهران	تهران	1	141,426	5%	21
2	تهران	تهران	2	205,883	8%	31
3	تهران	تهران	3	106,046	4%	16
4	تهران	تهران	4	270,948	10%	40
5	تهران	تهران	5	255,333	10%	38
6	تهران	تهران	6	73,212	3%	11
7	تهران	تهران	7	108,728	4%	16
8	تهران	تهران	8	125,757	5%	19
9	تهران	تهران	9	50,591	2%	7
10	تهران	تهران	10	104,720	4%	16
11	تهران	تهران	11	98,556	4%	15
12	تهران	تهران	12	76,628	3%	11
13	تهران	تهران	13	89,582	3%	13
14	تهران	تهران	14	153,649	6%	23
15	تهران	تهران	15	192,610	7%	29
16	تهران	تهران	16	89,928	3%	13
17	تهران	تهران	17	75,872	3%	11
18	تهران	تهران	18	115,151	4%	17
19	تهران	تهران	19	70,349	3%	10
20	تهران	تهران	20	104,275	4%	15
21	تهران	تهران	21	50,381	2%	7
22	تهران	تهران	22	38,106	1%	6
385	جمع			2,597,731	1	

جدول ۲: آمار توصیفی مربوط به متغیر سواد مالی برای دو جنس متفاوت

جنسیت	تعداد	مینیمم	ماکزیمم	میانگین	خطای تخمین	انحراف معیار
زن	234	0	6	3.39	0.101	1.55
مرد	176	0	6	5.23	0.126	1.67

جدول ۳: آزمون من ویتنی و ویلکاکسون برای فرضیه ۱

آماره من ویتنی	6948.5
آماره ویلکاکسون	34443.5
آماره نرمال استاندارد شده	-11.83
سطح معنی داری	0

فرضیه دوم: بین سن و سواد مالی افراد رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه، ابتدا میزان سواد مالی برای گروه‌های سنی متفاوت مقایسه می‌شود (نمودار ۱). با توجه به مقدار میانگین سواد مالی در سنین مختلف می‌توان اظهار داشت که میزان سواد مالی در گروه‌های سنی مختلف، متفاوت است. به طوری که سواد مالی با افزایش سن تا میزان خاص و سنی مشخص، رشد یافته و بعد از آن افول دارد.

برای آزمون فرضیه ۲، از آزمون ناپارامتری کراسکال و والیس استفاده شده است. با توجه به جدول ۴، چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی در گروه‌های سنی متفاوت برابر با صفر است و از ۰/۰۵ کمتر است، لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرض برابری سواد مالی برای گروه‌های سنی متفاوت را رد کرد و بیان داشت که سواد مالی برای گروه‌های سنی متفاوت، برابر نیست. بنابراین، فرضیه دوم تحقیق با اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

با توجه به جدول ۳، چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی در دو گروه جنسی زن و مرد برابر با صفر است و از ۰/۰۵ کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان فرض برابری سواد مالی برای دو گروه مرد و زن را رد کرد. بنابراین، با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان گفت که سواد مالی مردان از زنان بیشتر است. همینطور براساس قضیه حدمرکزی، و با استفاده از آزمون t مستقل نیز مشاهده می‌شود که سواد مالی مردان از سواد مالی زنان بیشتر است. مقدار سطح معناداری (جدول ۴) نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ بین سواد مالی مردان و سواد مالی زنان، وجود دارد. با توجه به مثبت بودن آماره t می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵٪ سواد مالی مردان، از سواد مالی زنان بیشتر است و فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد.

جدول ۳- مقایسه سواد مالی در دو گروه

نتایج آزمون t	سطح معناداری	
	df	T
سواد مالی	408	11.482



نمودار ۱: نمودار نقطه ای متغیر سواد مالی برای گروه‌های سنی متفاوت

جدول ۶: نتایج تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری	ضریب اتا
گروه سنی	452.551	3	150.85	65.332	0	0.326
خطا	937.452	406	2.309			
مجموع	1390.002	409				

فرضیه سوم: بین سطح تحصیلات و سواد مالی افراد رابطه وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه، میزان سواد مالی را برای سطوح تحصیلاتی متفاوت از بیسواد تا فوق دکتری مقایسه می‌شود. نمودار نقطه ای برای مقایسه سواد مالی در سطوح تحصیلاتی متفاوت در نمودار ۲، آمده است که نشان از تفاوت سواد مالی در سطوح تحصیلاتی متفاوت دارد. با توجه به این نمودار، با افزایش سطح تحصیلات میزان سواد مالی (نمره اخذ شده) بهتر می‌شود. اما این افزایش با شیبی ملایم بوده و سواد مالی به سمت مطلوب متمایل خواهد شد به طوری که در مقاطع لیسانس و فوق لیسانس بیشترین فراوانی را داشته و مقاطع دکتری به بالا و قبل دیپلم به قبل، کمترین فراوانی را دارد.

برای آزمون فرضیه سوم تحقیق، از آزمون ناپارامتری کراسکال و والیس استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۷ آورده شده است. براین اساس، چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی در سطوح تحصیلاتی متفاوت برابر با صفر است و از 0/05 کمتر است لذا با اطمینان 95 درصد میتوان فرض برابری سواد مالی برای سطوح تحصیلاتی متفاوت را رد کرد. بعبارت دیگر فرضیه سوم تحقیق در سطح اطمینان 95 درصد تایید می‌شود

جدول ۴ آزمون کراسکال و والیس

آماره کای اسکور	103.304
درجه آزادی	23
سطح معنی داری	0

البته بنابر قضیه حدمرکزی، می‌توان فرض نرمالیتی را پذیرفته و از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (آنوا) برای صحت بیشتر نتیجه نیز استفاده کرد. قبل از اینکار باید از پیش فرض برابر بودن واریانس های گروه های مختلف سنی اطمینان حاصل کرد. برای اینکار از آزمون لون استفاده می‌شود که مقادیر آماره ی لون (جدول ۵)، نشان می‌دهد که فرض تساوی واریانس‌ها در هر چهار گروه مورد تایید می‌باشد (سطح معناداری بیشتر از 5٪ شده است) و استفاده از تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌ها بلامانع است.

جدول ۵: نتایج آزمون لون برای برابری واریانس‌های ۴ گروه سنی

متغیر وابسته	آماره F	df1	df2	سطح معناداری	فرض برابری واریانس‌ها
سواد مالی	0.27	3	406	0.84	تایید می‌گردد

نتایج به دست آمده از جدول ۶ در خصوص تحلیل واریانس و ضریب همبستگی اتا نشان می‌دهد که با اطمینان 95 درصد سواد مالی برای گروه‌های سنی متفاوت، برابر نیست. ضریب همبستگی اتا نشان می‌دهد که میزان تاثیرگذاری سن افراد بر سواد مالی 32/6٪ بوده است.



نمودار ۲: نمودار نقطه ای به متغیر سواد مالی برای سطوح تحصیلاتی متفاوت

خاصی و تحصیلات خاصی رشد یافته و بعد از آن افول دارد. ضریب همبستگی اتا نشان می دهد که میزان تاثیرگذاری تحصیلات افراد بر سواد مالی 36/9٪ بوده است.

جدول ۷: آزمون کراسکال و والیس

آماره کای اسکور	57.295
درجه آزادی	8
سطح معنی داری	0

جدول ۸: آزمون لون برای برابری واریانس های 4 گروه تحصیلی

متغیر وابسته	آماره F	df1	df2	سطح معناداری	فرض برابری واریانس ها
سواد مالی	1.27	4	405	0.14	تایید می گردد

جدول ۹: نتایج تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات آزادی	درجه میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری	ضریب اتا
گروه تحصیلی	513.307	4	128.327	59.282	0.369
خطا	876.695	405	2.165		
مجموع	1390.002	409			

فرضیه چهارم: بین محل سکونت و سواد مالی افراد رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه، میزان سواد مالی را برای محل های سکونت متفاوت از شمال غرب،

البته بنابر قضیه حدمرکزی، می توان فرض نرمالیتی را پذیرفته و از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (آنوا) برای صحت بیشتر نتیجه نیز استفاده کرد. قبل از اینکار باید از پیش فرض برابر بودن واریانس های گروه های مختلف تحصیلی اطمینان حاصل کرد. برای اینکار از آزمون لون استفاده می شود که مقادیر آماره ی لون (جدول ۸)، نشان می دهد که که فرض تساوی واریانس ها در هر پنج گروه مورد تایید می باشد (سطح معناداری بیشتر از 5٪ شده است) و استفاده از تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین ها بلامانع است.

نتایج به دست آمده از جدول ۹ در خصوص تحلیل واریانس و ضریب همبستگی اتا، با اطمینان بیش از 95 درصد می توان گفت که سواد مالی برای گروه های تحصیلی متفاوت، برابر نیست. و نتایج توصیفی نشان می دهد که به طوری که نمایانگر است سواد مالی با افزایش تحصیلات تا میزان

غرب، شمال شرق، جنوب غرب و جنوب شرق از بالا به پایین افزایش می یابد و به طور کلی سواد مالی شمال شهر بهتر از جنوب و شرق شهر از غرب بهتر است.

شمال شرق، جنوب غرب و جنوب شرق مقایسه شده است. با توجه به نمودار ۳، میانگین سواد مالی برای محل های سکونت متفاوت است. درضمن، میزان سواد مالی برای محل های سکونت از شمال



نمودار ۳: نمودار نقطه‌ای به متغیر سواد مالی برای محل های سکونت متفاوت

با توجه به جدول ۱۱، چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی در شرق تهران و غرب تهران برابر با ۰/۰۰۱ است و از ۰/۰۵ کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد میتوان فرض برابری سواد مالی برای شرق و غرب را رد کرد و چنین نتیجه گرفت که سواد مالی شرق از غرب بهتر است. با توجه به جدول ۱۱، چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی در شمال و جنوب برابر با صفر است و از ۰/۰۵ کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد میتوان فرض برابری سواد مالی برای جنوب و شمال را رد کرد و چنین نتیجه گرفت که سواد مالی شمال از جنوب بهتر است. لذا با اطمینان ۹۵ درصد فرضه چهارم تحقیق تایید می شود.

برای انجام آزمون فرضیه چهارم، از آزمون های ناپارامتری کراسکال و والیس (جدول ۱۰) و همچنین من ویتنی و ویلکاکسون (جدول ۱۱) استفاده شده است. با توجه به جدول ۱۰ چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی در محل های سکونت متفاوت برابر با صفر است و از ۰/۰۵ کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد میتوان فرض برابری سواد مالی برای محل های سکونت متفاوت را رد کرد.

جدول ۱۰: آزمون کراسکال و والیس

آزمون بین تمامی ناحیه ها	
آماره کای اسکور	172.352
درجه آزادی	3
سطح معنی داری	0

جدول ۱۱- آزمون من ویتنی و ویلکاکسون

آزمون بین شمال و جنوب	آزمون بین شرق و غرب	
6286.5	15490.5	آماره من ویتنی
26386.5	26368.5	آماره ویلکاکسون
-12.634	-3.437	آماره نرمال استاندارد شده
0	0.001	سطح معنی داری

جدول ۱۲- آزمون لون برای برابری واریانس‌های ۴

گروه محل سکونت

متغیر وابسته	آماره F	df1	df2	سطح معناداری	فرض برابری واریانس‌ها
سواد مالی	1.66	4	405	0.081	تایید می‌گردد

نتایج به دست آمده از جدول ۱۳ در خصوص تحلیل واریانس و ضریب همبستگی اتا، با اطمینان بیش از 95 درصد می‌توان گفت که سواد مالی برای گروه‌های محل سکونت متفاوت، برابر نیست. ضریب همبستگی اتا نشان می‌دهد که میزان تاثیرگذاری محل سکونت افراد بر سواد مالی 34٪ بوده است. با توجه به جدول میانگین سواد مالی برای محل‌های سکونت متفاوت است. به نحوی که میزان سواد مالی به ترتیب در شمال شرق بیشترین مقدار را دارد، سپس شمال غرب، و بعد جنوب غرب و در نهایت جنوب شرق تهران در رتبه آخر از نظر میزان سواد مالی قرار دارد.

البته بنابر قضیه حدمرکزی، نیز می‌توان فرض نرمالیتی را پذیرفته و از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه (آنوا) برای صحت بیشتر نتیجه استفاده کرد. قبل از اینکار باید از پیش‌فرض برابر بودن واریانس‌های گروه‌های مختلف تحصیلی اطمینان حاصل کرد. برای اینکار از آزمون لون استفاده می‌شود که مقادیر آماره‌ی لون (جدول ۱۲)، نشان می‌دهد که فرض تساوی واریانس‌ها در هر پنج گروه مورد تایید می‌باشد (سطح معناداری بیشتر از 5٪ شده است) و استفاده از تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌ها بلامانع است

جدول ۱۳: نتایج تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معناداری	ضریب اتا
گروه محل سکونت	473.236	3	157.745	69.859	0	0.34
خطا	916.766	406	2.258			
مجموع	1390.002	409				

می‌توان گفت که در سطح اطمینان 95٪ سواد مالی شمال تهران، از سواد مالی جنوب تهران بیشتر است.

متطابق جدول ۱۴، مقدار سطح معناداری نشان می‌دهد که در سطح اطمینان 95٪ بین سواد مالی شمال تهران و سواد مالی جنوب تهران تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به مثبت بودن آماره t

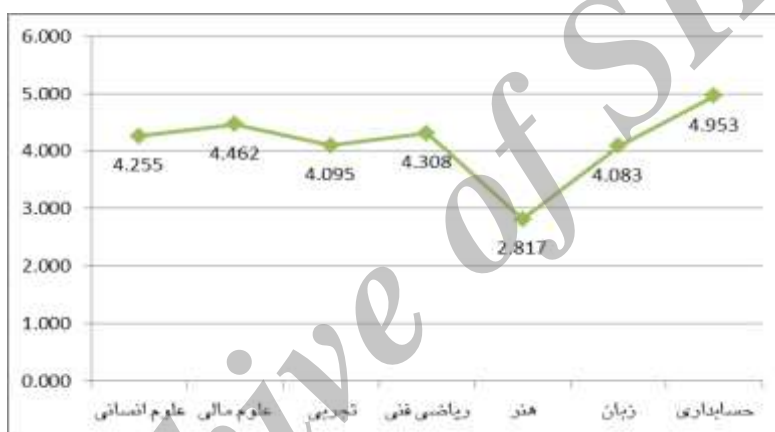
جدول ۱۴: مقایسه سواد مالی در دو گروه

نتایج آزمون t			سواد مالی
سطح معناداری	Df	T	
0	408	13.035	

مقایسه شده است. مطابق نمودار ۴، میانگین سواد مالی برای رشته های تحصیلی متفاوت سرپرست خانواده متفاوت است. با توجه به جدول سواد مالی خانواده هایی که رشته تحصیلی سرپرست خانواده هایشان به ترتیب حسابداری، علوم مالی، ریاضی و فنی، علوم انسانی، تجربی و هنر باشند از بهتر تا بدتر تغییر می کند.

فرضیه پنجم: بین رشته تحصیلی سرپرست خانواده و سواد مالی خانواده رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه، میزان سواد مالی برای رشته های تحصیلی متفاوت سرپرست خانواده



نمودار ۴: نمودار نقطه‌ای متغیر سواد مالی برای رشته های تحصیلی متفاوت سرپرست خانواده

طرفه (آنوا) برای صحت بیشتر نتیجه استفاده کرد. قبل از این کار باید از پیش فرض برابر بودن واریانس های گروه های مختلف رشته تحصیلی اطمینان حاصل کرد. برای اینکار از آزمون لون استفاده می شود که مقادیر آماری لون (جدول ۱۶)، نشان می دهد که فرض تساوی واریانس ها در هر شش گروه مورد تایید می باشد (سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵٪ شده است) و استفاده از تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین ها بلامانع است.

برای انجام آزمون فرضیه ۵ از آزمون ناپارامتری کراسکال و والیس استفاده شده است. با توجه به جدول ۱۵، چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی در رشته های تحصیلی متفاوت سرپرست خانواده برابر با صفر است و از ۰/۰۵ کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد میتوان فرض برابری سواد مالی برای رشته های تحصیلی متفاوت سرپرست خانواده را رد کرد. لذا فرضیه پنجم تحقیق نیز با اطمینان بیش از ۹۵ درصد تایید می شود.

البته بنابر قضیه حدمرکزی، نیز می توان فرض نرمالیتی را پذیرفته و از آزمون تحلیل واریانس یک

نشان می‌دهد که میزان تاثیرگذاري رشته تحصیلی سرپرست خانواده بر سواد مالی 12٪ بوده است

فرضیه ششم: بین میزان انباشت سرمایه و سواد مالی افراد رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه، میزان سواد مالی را برای میزان انباشت سرمایه متفاوت مقایسه شده است. با توجه به نمودار ۵، میانگین سواد مالی برای میزان های انباشت سرمایه متفاوت است. به نحوی که میزان سواد مالی با افزایش میزان انباشت سرمایه افزایش می‌یابد.

برای انجام آزمون فرضیه ۶ از آزمون ناپارامتری کراسکال و والیس استفاده می‌شود. نتایج این آزمون در جدول ۱۸ آورده شده است. مطابق این جدول، چون سطح معنی داری برای رد فرض برابری سواد مالی برای میزان های انباشت سرمایه متفاوت برابر با صفر است و از 0/05 کمتر است، با اطمینان ۹۵ درصد میتوان فرض برابری سواد مالی برای میزان های انباشت سرمایه متفاوت را رد کرد. لذا فرضیه ششم تحقیق نیز با اطمینان بیش از ۹۵ درصد تایید می‌شود.

جدول ۱۵- آزمون کراسکال و والیس برای فرضیه ۵

آماره کای اسکور	35.392
درجه آزادی	4
سطح معنی داری	0

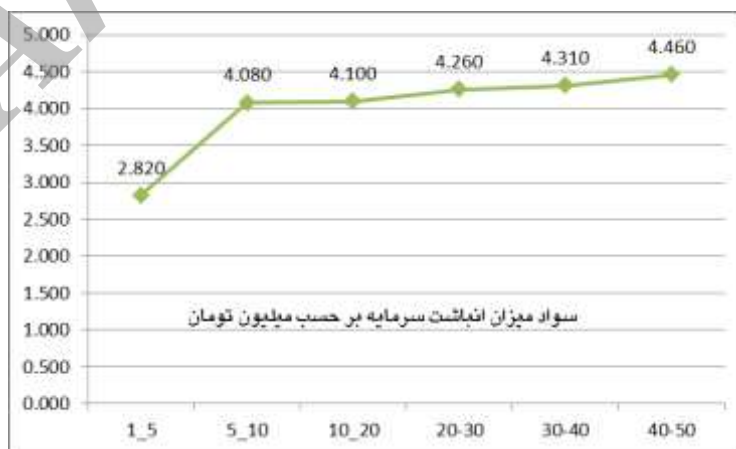
جدول ۱۶- آزمون لون برای برابری واریانس‌ها

متغیر وابسته	آماره F	df1	df2	سطح معناداری	فرض برابری واریانس‌ها
سواد مالی	1.09	6	403	0.198	تایید می‌گردد

جدول ۱۷: نتایج تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری	ضریب اتا
گروه رشته تحصیلی	166.802	6	27.8	9.159	0	0.12
خطا	1223.201	403	3.035			
مجموع	1390.002	409				

نتایج به دست آمده از جدول تحلیل واریانس و ضریب همبستگی اتا (جدول ۱۷) نشان می‌دهد، با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان گفت که سواد مالی در رشته های تحصیلی متفاوت سرپرست خانواده با هم متفاوت است. ضریب همبستگی اتا



نمودار ۵- نمودار نقطه‌ای متغیر سواد مالی برای میزان انباشت سرمایه متفاوت

جدول ۱۸: آزمون کراسکال و والیس

آماره کای اسکور	55.19
درجه آزادی	6
سطح معنی داری	0

t یک نمونه‌ای استفاده شده است. با توجه به این که در این تحقیق برای سنجش میزان سواد مالی از طیف ۶ تایی استفاده شده است، لذا مقدار آماره آزمون را ۳ (حد وسط) ^۹ در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۲۰: نتایج تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معناداری	ضریب اتا
گروه محل سکونت	732.465	5	146.493	90.007	0	0.527
خطا	657.537	404	1.628			
مجموع	1390.002	409				

با فرض وجود نمونه ی بالا و بنابر قضیه معروف حد مرکزی، می توان فرض نرمالیتی را پذیرفته و از آزمون تحلیل واریانس برای صحت بیشتر نتیجه نیز استفاده کرد. براین اساس، و با توجه به مقادیر آماره ی لون (جدول ۱۹)، فرض تساوی واریانس‌ها در هر شش گروه مورد تایید می‌باشد (سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ شده است) و استفاده از تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین‌ها بلا مانع است.

جدول ۲۱: نتایج آزمون t یک نمونه ای

میانگین استاندارد	انحراف استاندارد	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه تایید
4.178	1.1484	1.956	409	0.51	تایید

جدول ۱۹: آزمون لون برای برابری واریانس‌ها

متغیر وابسته	آماره F	df1	df2	سطح معناداری	فرض برابری واریانس‌ها
سواد مالی	1.39	5	404	0.118	تایید می‌گردد

بر اساس ستون اول جدول ۲۱، در صورتی که مقدار میانگین جدول بالاتر از ۳ شده باشند، می‌توان گفت سطح سواد مالی خانواده های تهرانی در وضعیت بالاتر از حد متوسط می باشد و در صورتی که مقدار میانگین به دست آمده برای نمونه زیر ۳ شده باشند، سطح سواد مالی خانواده های تهرانی در وضعیت پایین تر از حد متوسط ارزیابی شده است. برای بررسی معناداری یا عدم معناداری مطلوبیت سواد مالی افراد آن از آماره t در ستون سوم این جدول استفاده می‌کنیم. با توجه به یک طرفه بودن فرضیه در صورتی می‌توان گفت سطح سواد مالی خانواده های تهرانی در وضعیت مطلوبی در سطح اطمینان ۹۵٪ قرار دارد که مقدار آماره t از ۱/۹۶+ بزرگ تر باشد. نتایج حاصله از آزمون t نشان می دهد فرضیه محقق در سطح اطمینان ۹۵٪ تایید شده

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ۲۰، در خصوص تحلیل واریانس و ضریب همبستگی اتا^۸، با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان گفت که سواد مالی برای افراد با میزان انباشت سرمایه متفاوت، برابر نیست. ضریب همبستگی اتا نشان می دهد که میزان تاثیرگذاری مقدار انباشت سرمایه افراد بر سواد مالی ۵۲/۷٪ بوده است.

فرضیه هفتم: سطح سواد مالی خانواده های تهرانی در وضعیت مطلوبی نیست.

در این فرضیه فرض H0 وضعیت مطلوب است بوده و فرض H1 وضعیت نا مطلوب است در نظر گرفته شده است. جهت بررسی این فرضیه، از آزمون

است و سطح سواد مالی خانواده های تهرانی در وضعیت مطلوب و معناداری نمی باشد. اما بالاتر از حد متوسط می باشد. لذا فرض H0 (وضعیت مطلوب) رد و فرض H1 تایید شده که به معنی عدم وجود وضعیت مطلوب در این فرض می باشد، لذا فرضیه هفتم تحقیق تایید می شود.

۵- نتیجه گیری و بحث

تحقیق حاضر در راستای شناسایی وضعیت سواد مالی در بین خانواده های تهرانی با استفاده از مدل به کار گرفته شده توسط بانک جهانی در کشورهای مختلف دنیا صورت گرفته است و از این جهت حائز اهمیت است که قابلیت مقایسه با برخی کشورها را مهیا می سازد.

نتایج بدست آمده حاکی از آزمون فرضیه اول بیانگر وجود رابطه بین سواد مالی و جنسیت افراد است. به نحوی که سواد مالی در بین مردان درحال نزدیک شدن به وضعیت مطلوب (5.227) است و در مقابل زنان در حال گذر از وضعیت متوسط هستند (3.389). همچنین نکته قابل اشاره این است که نسبت پاسخ دهندگان زن و مرد (حدود 43 درصد مرد و 57 درصد زن) تا حدودی نزدیک به آرایش اجتماعی موجود است که می توان چنین ادعا کرد که نمونه انتخابی، نماینده مناسبی از جامعه است.^۵ این نتایج، با نتایج بدست آمده در آمریکا (لوزاردی و میچل، 2011b) نیز در انطباق است.

همینطور مشاهده شد که بین سواد مالی و سن افراد رابطه وجود دارد. نتایج این تحقیق بیانگر افزایش سطح سواد مالی از سنین جوانی به میانسالی و کاهش آن پس از ورود به کهن سالی است به نحوی که با افزایش سن افراد از حدود 24 سالگی

تا 45 سالگی میزان سواد مالی آنها به نقطه اوج خود رسیده و روند افزایشی با شیب تند را طی می کند به عبارتی اگر سن افراد را به دو نیم تقسیم نمایم که مرکز آن ۴۵ باشد دوره ۲۰ ساله قبل آن به وضعیت مطلوب میل داشته و در دوره ۲۰ ساله بعد از آن به روند کاهشی به وضعیت ضعیف نقل مکان دارد. براین اساس می توان نمودار U شکل معکوس را در این تحقیق نیز ترسیم نمود که نقطه اوج آن 5.714 است. همانطور که در تحقیق لوزاردی و میچل (2011b) آمده در آمریکا افراد بین سنین ۲۵ تا ۶۵ سال ۵ درصد بهتر از افراد زیر ۲۵ و بالای ۶۵ سال می باشد و در این تحقیق افراد بین سنین ۲۵ تا ۴۵ سال حدود ۳۱ درصد بهتر از سنین قبل از ۲۵ سال و حدود ۱۰۰ درصد بهتر از سنین بالای ۴۵ سال پاسخ داده اند. همچنین فینک و همکاران (۲۰۱۱) پائین تر بودن سواد مالی در بین افراد مسن تر را به نزول و افت در فرآیندهای شناختی که باکهورلت سن مرتبط است نسبت می دهد و تاثیر گروه و دیگر ویژگیهای جامعه آماری را غیر محتمل می شمارد.

در ضمن وجود رابطه بین سواد مالی و میزان تحصیلات نیز تایید شده است. نکته قابل توجه، وجود تفاوت سواد مالی در سطح تحصیلات دیپلم و دکتری به بالا با میزان سواد مالی بین این سطوح است که به نوعی نتایج را به چالش کشیده است. استدلال قابل ذکر در این خصوص وجود این احتمال می تواند باشد که میزان تحصیلات، متغیر قوی و مربوطی برای سنجش سواد مالی نیست. همانطور که در تحقیق لوزاردی و میچل (2011a) بیان می شود که تحصیلات، یک نماینده ضعیف برای شناسایی سواد مالی به حساب می آید. اما در خصوص سطوح پائین تحصیلات، نتایج بدست آمده تقریباً با نتایج سایر تحقیق های انجام شده مطابقت

مشابه تحقیقات دیگر صورت گرفته در کشور های مختلف در انطباق با آرایش اجتماعی آن کشورها است. برای مثال در کشور ایتالیا ساکنین مناطق شمالی و بعد مناطق مرکزی دارای سواد مالی بیشتری در مقایسه یا ساکنین مناطق جنوبی آن هستند (مونتیکن، 2010) و در کشور آلمان، ساکنین مناطق غربی دارای سواد مالی بیشتری نسبت به ساکنین مناطق شرقی آن هستند (بوچر-کونن و لوزاردی، 2011).

از سوی دیگر، افراد تحصیل کرده در رشته های علوم مالی (به خصوص رشته حسابداری) بهتر از دیگر رشته ها به سوالات سواد مالی پاسخ داده اند. این نتایج، مشابه با نتایج تحقیق چن و همکاران (1996) است که متوجه شدند سواد دانشجویان در دانشگاه ها در مورد سرمایه گذاری شخصی پایین است و سواد مالی دانشجویان رشته های کسب و کار (business) از دانشجویان رشته های غیر کسب و کاری بیشتر است؛ و در میان رشته های کسب و کار، سواد مالی دانشجویان رشته های مالی/حسابداری از همه بیشتر است.

البته شایان ذکر است که نتایج تحقیق حاضر بیان کننده وضعیت نامطلوب سواد مالی در تحصیل کردگان تمامی رشته های تحصیلی، حتی حسابداری است که البته در حال میل به سمت وضعیت مطلوب می باشد (همانطور که در تحلیل فرضیه اول اشاره کردیم، وضعیت مطلوب در این تحقیق کسب میانگین نمره بین 5 تا 6 است). با این حال افراد تحصیل کرده در رشته ها گروه فنی و مهندسی نسبت به فارغ التحصیلان در رشته های علوم انسانی و تجربی وضعیت بهتری دارند که این تفاوت می تواند ناشی از نوع سوالات طراحی شده در پرسشنامه این تحقیق باشد که در آن توانایی

دارد. برای مثال لوزاردی و میچل (2011b) در مطالعات خود به این موضوع پی بردند که افراد با سطح تحصیلات پایین (یعنی افراد فاقد مدرک دیپلم) در آمریکا با احتمال کمتری به سوالات پاسخ صحیح می دهند و همچنین با احتمال بیشتری در مورد جواب می گویند «نمی دانم». این الگو در تمام کشورها دیده شده است. در مورد نتایج حاصل از سطح تحصیلات دکتری به بالا که شاهد افول میزان سواد مالی افراد هستیم، می توانیم چنین ادعا کنیم که سن افراد و تاثیر آن بر سطح سواد مالی در نتایج بدست آمده نقش داشته و به طور ضمنی فرضیه دوم را تایید می کند. این تحلیل را برای سطح تحصیلات دیپلم نیز به شکل بسیار ضعیف می توان بکار برد.

اما در خصوص سطوح بین دیپلم و دکتری شاهد میل سطح سواد مالی به سمت وضعیت مطلوب هستیم که باید به این نکته اشاره کرد که فراوانی های این سطوح تفاوت قابل ملاحظه ای با دیگر سطوح دارند که می تواند نقش موثری بر نتایج بدست آمده داشته باشد. با این حال وجود ارتباط بین سواد مالی و میزان تحصیلات را نمی توان نادیده گرفت. نکته قابل ذکر در این فرضیه این است که مشخص نمودن شکل ارتباط، کار دشواری بوده و نیاز به آزمون ها و برنامه های خاصی چون اجرای دوره های آموزشی سواد مالی و استفاده از داده های پانلی (کلپر و پانوس، 2011) دارد تا بتوان مشخص نمود که آیا میزان تحصیلات بر میزان سواد مالی تاثیر دارد یا میزان سواد مالی بر میزان تحصیلات. با این وجود بهترین نتیجه می تواند این باشد که هر دو همپوشانی متناسبی با هم دارند.

نتایج بدست آمده از تحلیل فرضیه چهارم تحقیق بیان کننده بالاتر بودن سطح سواد مالی مناطق شمالی نسبت به مناطق جنوبی شهر تهران است. این نتایج،

محاسبات نقش به‌سزایی در نتایج و پاسخ‌دهی داشته است و در مقابل، سوال مربوط به سرمایه‌گذاری و سود برای تحصیل‌کردگان رشته‌های حسابداری ملموس‌تر بوده و نتایج بهتری نسبت به تمام رشته‌ها کسب نموده‌اند.

نتایج بدست آمده درخصوص آزمون فرضیه ششم تحقیق بیان‌کننده وجود تفاوت در سواد مالی و پاسخ‌دهی به سوالات با توجه به میزان انباشت سرمایه در یک سال است که می‌توان چنین نتیجه گرفت که افزایش در سواد مالی می‌تواند منجر به افزایش در سطح انباشت سرمایه گردد. لازم به ذکر است که تاثیر ثروت بر دانش مالی نیز دور از انتظار نبوده و مطابق با یافته‌های تحقیق مونتیکن (2010) در کشور ایتالیا است که نشان داد ثروت تاثیری کوچک اما مثبت بر روی سواد مالی دارد. همینطور ژاپلی و پادولا (2011) با ارائه یک مدل موقت در زمینه سرمایه‌گذاری در سواد مالی نشان دادند که سواد مالی و ثروت در چرخه زندگی برای یکدیگر تعیین‌کننده مهم و با هم وابسته هستند. ضمناً هستینگ و میچل (2011) نیز با بررسی شواهد تجربی از کشورشیلی نشان داد که دانش مالی با ثروت همبستگی دارد.

نتایج بدست آمده در خصوص فرضیه آخر تحقیق نشان می‌دهد که میانگین کل سواد مالی نمونه تحقیق 4/178 است که اشاره به وضعیت نامطلوب سطح سواد مالی در بین خانواده‌های تهرانی دارد. زیرا در این سطح از ارزیابی وضعیت مطلوب، میانگین بین 5 تا 6 در نظر گرفته شده است. البته با این فرض که همه قادر به پاسخ‌گویی صحیح به تمام سوالات هستند.

مردم ساکن تهران در زمینه ریسک‌پذیری و شناخت ریسک و البته موضوع مهمی چون سرمایه

گذاری در سهام و بورس ضعف عمده‌ای دارند. این موضوع در نتایج بدست آمده از سوالات مکملی که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم به‌طور جدی و قابل‌تامل تایید می‌شود. همچنین در خصوص وام نیز شاهد عملکرد ضعیف افراد هستیم که خود موضوع نگران‌کننده‌ای است. هرچند این نتایج همراستا با تحقیق جراردی و همکاران (2010) است که نشان می‌دهد همبستگی گسترده و از لحاظ آماری با اهمیتی، بین غفلت و اشتباه در خصوص وام رهنی و پایین‌تر بودن سطح سواد مالی در آمریکا وجود دارد. در تحقیقی دیگر نیز که لوزاردی و همکاران (2009) در آمریکا انجام دادند، دریافتند که بین سطح پائین سواد مالی با بار بدهی بالاتر و تحمل هزینه‌های بیشتر و استقراض با بهای گرانتر رابطه وجود دارد. عدم آگاهی از نحوه کارکرد وام و عدم برنامه‌ریزی در استفاده از آن عواقبی را در پی خواهد داشت که کل مسائل مالی خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

برای بررسی دقیق‌تر وضعیت سواد مالی در ایران (با توجه به نتایج تحقیق حاضر) جدول ۲۲ بصورت مقایسه‌ای میزان پاسخ‌های صحیح داده شده به سوالات مربوط به بهره‌ترکیبی، تورم و پرهیز از ریسک در کشورهای مختلف نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج بدست آمده و تحلیل‌های ارائه شده در این تحقیق، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که وضعیت سواد و دانش مالی در بین خانواده‌های تهرانی نامطلوب بوده و نیاز به توجه بیشتر از جانب سیاست‌گذاران، متصدیان و ترویج‌دهندگان علم و محققین در این حوزه احساس می‌شود.

جدول ۲۲: نتایج مقایسه ای تحقیق حاضر با تحقیق های سواد مالی انجام شده در کشورهای دیگر

کشور (سال تحقیق)	سوال مربوط به بهره ترکیبی	سوال مربوط به تورم	سوال مربوط به پرهیز از ریسک	تعداد نمونه	منبع تحقیق
کشورهای با درآمد بالا					
آمریکا (2009)	65%	64%	52%	1,488	لوزاردی و میچل (2011b)
ایتالیا (2006)	40%	60%	45%	3,992	فورنرو و مونتیکن (2011)
آلمان (2009)	82%	78%	62%	1,059	بوچر-کنن و لوزاردی (2011)
سوئد (2010)	35%	60%	68%	1,302	آلمنبرگ و سودنبرگ (2011)
ژاپن (2010)	71%	59%	40%	5,268	سکیتا (2011)
نیوزیلند (2009)	86%	81%	27%	850	کروسان و همکاران (2011)
هلند (2010)	85%	77%	52%	1,324	آلسی و همکاران (2011)
کشورهای با درآمد متوسط به بالا					
تهران (2013)	79%	93%	33%	410	دیانتی و حنیفه زاده (2013)
روسیه (2009)	36%	51%	13%	1,366	کلپر و پانوس (2011)
رومانی (2010)	24%	43%	--	2,048	بانک جهانی - برنامه سی پی اف ال
آذربایجان (2009)	46%	46%	--	1,207	بانک جهانی - برنامه سی پی اف ال
شیلی (2006)	2%	26%	46%	13,054	بهرمن و همکاران (2010)
کشورهای با درآمد متوسط به پایین					
اندونزی (2007)	78%	61%	28%	3,360	کول و همکاران (2010)
هند (2006)	59%	25%	31%	1,496	کول و همکاران (2010)
وست بنک و غزه (2011)	51%	64%	--	2,022	بانک جهانی - برنامه سی پی اف ال

و هم در زمینه دسترسی مالی نیاز به برنامه ریزی بیشتر مشاهده می شود. در خصوص افزایش سطح آگاهی و آموزش نیز در رابطه با محصولات مالی شاهد کمبود آگاهی هستیم. مقوله آموزش نیز نیاز به برنامه ریزی مدون داشته که بدلیل فقدان چنین برنامه هایی در نظام آموزشی کشور، در تحقیق حاضر امکان بررسی برنامه های آموزشی و تحلیل تاثیرات آن وجود نداشته است. در نهایت متذکر می شویم که این تحقیق صرفا در شهر تهران صورت گرفته است و

به طور کلی دامنه این موضوع با توانایی های شناختی افراد و ارتقا آن شروع و با ایجاد دسترسی به خدمات و امور مالی و بهبود آن تکمیل گردیده و با افزایش آگاهی و آموزش و ارتقا سطح آن و همچنین افزایش اعتماد به نفس در مسائل مالی در بین افراد به حد کمال خود (وضعیت مطلوب) می رسد. با در نظر گرفتن این موضوع و نتایج بدست آمده در این تحقیق مشاهده می شود که ما هم در سطح توانایی های شناختی افراد دچار ضعف هستیم

Performance during a Housing Crisis". American Economic Review: Papers & Proceedings 2010, 100:2, 1-10 <http://www.aeaweb.org/articles.php?doi=10.1257/aer.100.2.1>.

- * Agnew, Julie R.; Bateman, Hazel; and Thorp, Susan (2013). "Financial Literacy and Retirement Planning in Australia," Numeracy: Vol. 6: Iss. 2, Article 7. DOI: <http://dx.doi.org/10.5038/1936-4660.6.2.7>, P: 5-13 . Available at: <http://scholarcommons.usf.edu/numeracy/vol6/iss2/art7>
- * Alessie, R., Van Rooij, M. & Lusardi, A. (2011). "Financial Literacy, Retirement Preparation and Pension Expectations in the Netherlands". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), March.
- * Almenberg, J. & Dreber, A. (2012). "Gender, Stock Market Participation and Financial Literacy". Working Paper Series in Economics and Finance 737, Stockholm School of Economics, revised 16 Aug 2011, 3-10.
- * Almenberg, J. & Säve-Söderbergh, J. (2011). "Financial Literacy and Retirement Planning in Sweden". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), January.
- * Almenberg, J. & Widmark, J. (2011). "Numeracy, financial literacy and participation in asset markets". Mimeo, Swedish Ministry of Finance, 8-21.
- * Atkinson, A. & Messy, F. (2012). "Measuring Financial Literacy: Result of the OECD/International Network on Financial Education (INFE) pilot Study". OECD working paper on Finance, Insurance and Private Pension, OECD Publishing, No.15.
- * Behrman, J.R., Mitchell, O. S., Soo, C. & Bravo, D. (2010). "Financial Literacy, Schooling, and Wealth Accumulation". National Bureau of Economic Research Working Paper Series No. 16452, P: 7-24.
- * Bernheim, B. D. (1995). "Do households appreciate their financial vulnerabilities? An analysis of actions, perceptions, and public policy, in: Tax Policy and Economic Growth". Washington, DC: American Council for Capital Formation, P:1-30.
- * Bernheim, B. D. (1998). "Financial illiteracy, education and retirement saving".

لازم است برای شناسایی و ارزیابی میزان سواد مالی مردم در سطح کشور ایران تحقیق‌ها و پژوهش‌های گسترده دیگری صورت گیرد که این تحقیق می‌تواند شروع خوبی برای ورود به این حوزه باشد.

فهرست منابع

- * حسابرس. (1388). «سواد مالی در مدارس». مجله حسابرس، شماره 47، زمستان 1388، صفحه 53.
- * مرکز جامع آمار (1390). «سرشماری نفوس و مسکن 1390».
- * بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (1387). «نتایج بررسی دسترسی خانوارها به خدمات مالی در مناطق شهری ایران سال 1387». آبان 1389، www.cbi.ir.
- * یعقوب نژاد احمد، نیکومرام هاشم، معین الدین محمود، ۱۳۹۰. «ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی»، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار (مدیریت پرتفوی)، پاییز ۱۳۹۰؛ ۲(۸): ۰-۰.
- * آزادی، رضا، زنجیردار، مجید فرشیدپور، علیرضا، ۱۳۹۱. «سواد مالی و عوامل تاثیرگذار بر آن و تاثیر آن با برنامه‌ریزی بازنشستگی»، اولین همایش منطقه‌ای پژوهش‌ها و راهکارهای نوین در حسابداری مدیریت، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی غیر دولتی شفق تنکابن
- * جعفری ندوشن علی اکبر، ۱۳۹۰. «در ضرورت نهضت سواد مالی»، اقتصاد، بورس، مرداد ۱۳۹۰-شماره ۹۷، ص: ۲۴-۲۷.
- * Agarwal, S., Amromin, G., Ben-David, I., Chomsisengphet, S. & Evanoff, D. D. (2009). "Learning to Cope: Voluntary Financial Education Programs and Loan

- * Fornero, E. & Monticone, C. (2011). "Financial Literacy and Pension Plan Participation in Italy". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), P: 4-16.
- * Fornero, E., Rossi, M. C. & Brancati, M. C. U. (2011). "Explaining Why, Right or Wrong, (Italian) Households Do Not Like Reverse Mortgages". Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), P: 2-36.
- * Gerardi, K., Goette, L. & Meier, S. (2010). "Financial Literacy and Subprime Mortgage Delinquency: Evidence from a Survey Matched to Administrative Data". Federal Reserve Bank of Atlanta, P: 22-31.
- * Guiso, L., Jappelli, T. & Padula, M. (2009). "Pension Risk, Retirement Saving and Insurance," CSEF Working Papers 223, Centre for Studies in Economics and Finance (CSEF), University of Naples, P: 7-13.
- * Hastings, J. S. & Mitchell, O. S. (2011). "How Financial Literacy and Impatience Shape Retirement Wealth and Investment Behaviors". National Bureau of Economic Research Working Paper Series No. 16740, P: 5-10.
- * Hilgert, M., Hogarth, J. M. & Beverly, S. (2003). "Household Financial Management: The Connection between Knowledge and Behavior". Federal Reserve Bulletin, P: 309-322.
- * Hogarth, J. M. & O'Donnell, K. H. (1999). "Banking Relationships of Lower-Income Families and the Governmental Trend toward Electronic Payment". Federal Reserve Bulletin, P: 459-473.
- * <http://www.finscope.co.za/pages/default.aspx>
- * Hung, A. A. & Yoong, J. (2010). "Asking for Help: Survey and Experimental Evidence on Financial Advice and Behavior Change". RAND Corporation Publications Department, P: 5-21.
- * Hung, A. A., Meijer, E., Mihaly, K. & Yoong, J. (2009). "Building Up, Spending Down: Financial Literacy, Retirement Savings Management, and Decumulation". RAND Corporation Publications Department, P: 9-24.
- * InterMedia (2010). "Young Africans' Access to Financial Information and Services: Lessons from Surveys in Kenya and Ghana". AudienceScapes Development In O. Mitchell and S. Schieber (eds.), Living with Defined Contribution Pensions. University of Pennsylvania Press, Philadelphia, P: 38-68.
- * Bucher-Koenen, T. & Lusardi, A. (2011). "Financial Literacy and Retirement Planning in Germany". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), P: 2-18.
- * Bucher-Koenen, T. & Ziegelmeier, M. (2011). "Who Lost the Most? Financial Literacy, Cognitive Abilities, and the Financial Crisis". Working Paper Series, European Central Bank, P: 5-29.
- * Bumcrot, C. B., Lin, J. & Lusardi, A. (2011). "The Geography of Financial Literacy". Working Paper, RAND Corporation Publications Department, P: 4-13.
- * Chen, H., Pavlicko, J. J. & Voipe, R. P. (1996). "Personal Investment Literacy Among College Students: A Survey". Financial Practice and Education (1987), P: 86-95.
- * Christelis, D., Jappelli, T., & Padula, M. (2010). "Cognitive Abilities and Portfolio Choice". European Economic Review, vol. 54, P: 18-38.
- * Cole, S., Paulson, A. & Shastry, G. K. (2012). "Smart Money: The Effect of Education on Financial Behavior". Harvard Business School Finance, Working Paper Series No. 09-071, Harvard Business School, P: 1-24.
- * Cole, S., Sampson, T. & Zia, B. (2009). "Financial Literacy, Financial Decisions, and the Demand for Financial Services: Evidence from India and Indonesia". Working paper, No. 09-117, P: 3-20.
- * Cole, S., Shapiro, J. & Zia, B. (Forthcoming). "Effect of Financial Literacy on Personal Financial Decision-Making in Gujarat, India". Find it on: <http://www.povertyactionlab.org/evaluation/effect-financial-literacy-personal-financial-decision-making-gujarat-india>
- * Crossan, D., Feslier, D. & Hurnard, R. (2011). "Financial Literacy and Retirement Planning in New Zealand". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), P: 2-19.
- * Finke, M. S., Howe, J. S. & Huston, S. J. (2011). "Old Age and the Decline in Financial Literacy". P: 5-13.



- Improving? Networks Financial Institute Policy Brief 2006-PB-08. I
- * MasterCard Worldwide. (2011). "How Well Do Women Know Their Money: Financial Literacy across Asia/ Pacific, Middle East, and Africa".
 - * Monticone, M. (2010). "How Much Does Wealth Matter in the Acquisition of Financial Literacy?". Article first published online: 1 JUN 2010, DOI: 10.1111/j.1745-6606.2010.01175.x, P: 12-42.
 - * Moore, D. (2003). "Survey of Financial Literacy in Washington State: Knowledge, Behavior, Attitudes, and Experience". Social and Economic Sciences Research Center, Washington State University, Technical Report N, P: 3 – 39.
 - * Rooij, M. V., Lusardi, A. & Alessie, R. (2011). "Financial Literacy and Stock Market Participation". Journal of Financial Economics, P: 3-28.
 - * Rooij, V. M., Lusardi, A. & Alessie, R. (2007). "Financial Literacy and Stock Market Participation," NBER Working Paper No. 13565, P: 2-15.
 - * Sekita, S. (2011). "Financial Literacy and Retirement Planning in Japan". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), P: 3-29.
 - * Stango, V. & Zinman, J. (2009). "Exponential Growth Bias and Household Finance". Journal of Finance, vol.64, P: 2807–2849.
 - * Tullio, J. & Padula, M. (2011). "Investment in Financial Literacy and Saving Decisions". CeRP Discussion Paper, No. DP8220, P: 12-17.
 - * World Bank (2010). CPFL Program, find it on: <http://ppi-re.worldbank.org/Data/Project/cpfl-renovaveis-atlantica-wind-park-7082>
 - * World Bank, (2013). "Income Level". Find it on: <http://wdronline.worldbank.org/worldbank/a/incomelevel>
 - * World Bank. (2011). "Volume IV: KAIZEN for Managerial Skills Improvement in Small and Medium Enterprises: An Impact Evaluation Study. In Light Manufacturing in Africa?". Practical Solutions to Creating Millions of Productive Jobs, July 26.
 - * Xu, L. & Zia, B. (2012). "Financial Literacy around the world: an overview of Research Briefs, InterMedia Survey Institute, P: 11-41.
 - * Klapper, L. F., Lusardi, A. & Panos, G. A. (2012). "Financial Literacy and the Financial Crisis". World Bank Policy Research, Working Paper, No. 5980, P: 18-29.
 - * Lusardi, A. & Mitchel, O. S. (2013). "The Economic Importance of Financial Literacy: Theory and Evidence". Center for Research on Pensions and Welfare Policies, CeRP Working Papers No. 134/13, P: 4-51.
 - * Lusardi, A. & Mitchell, O. S. (2007a). "Baby Boomer Retirement Security: The Role of Planning, Financial Literacy, and Housing Wealth". Journal of Monetary Economics, 54, P: 205–224.
 - * Lusardi, A. & Mitchell, O. S. (2007a). "Financial Literacy and Retirement Preparedness: Evidence and Implications for Financial Education". Business Economics, 42(1), P: 35-44.
 - * Lusardi, A. & Mitchell, O. S. (2007b). "Baby Boomer Retirement Security: The Roles of Planning, Financial Literacy, and Housing Wealth". Journal of Monetary Economics, 54(1).
 - * Lusardi, A. & Mitchell, O. S. (2011a). "Financial Literacy and Retirement Planning in the United States". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), P: 2-14.
 - * Lusardi, A. & Mitchell, O. S. (2011b). "Financial Literacy Around the World: An Overview". CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy), P: 2-43.
 - * Lusardi, A., & Tufano, T. (2008). "Debt Literacy, Financial Experience and Over-indebtedness". Working Paper, No.14808, P: 4-25.
 - * Lusardi, A., Mitchell, O. S. & Curto, V. (2009). "Financial Literacy Among the Young: Evidence and Implications for Consumer Policy". National Bureau of Economic Research Working Paper Series No. 15352.
 - * Lusardi, A., Tufano, P. & Field, S. (2009). "Debt Literacy, Financial Experiences, and Overindebtedness". National Bureau of Economic Research Working Paper Series No. 14808.
 - * Mandell, L. (2006). "Financial Literacy: If It's so Important, Why Isn't It

the evidence with practical suggestions for the way forward". The World Bank, No. 6107, P: 3-46.

یادداشت‌ها

- ¹Financial Literacy
- ²Financial Knowledge
- ³Financial Skills
- ⁴Financial Products
- ⁵Lusardi
- ⁶Mitchell
- ⁷Fornero
- ⁸Monticone
- ⁹Almenberg
- ¹⁰Säve-Söderbergh
- ¹¹Cole et al.
- ¹²Behrman et al.
- ¹³President's Advisory Council
- ¹⁴Adele Atkinson
- ¹⁵Flore-Ane Messy
- ¹⁶Retirement Plan
- ¹⁷Mortgage
- ¹⁸Reserve Bank
- ¹⁹Financial Literacy and Credit Counseling Centers
- ²⁰Hogarth
- ²¹O'Donnell
- ²²Panel Data
- ²³Bernheim
- ²⁴Beverly
- ²⁵Wealth accumulation
- ²⁶Moore
- ²⁷InterMedia.
- ²⁸Financial Access
- ²⁹MasterCard Worldwide
- ³⁰Sub-Saharan Africa
- ³¹Finke et al.
- ³²Mandell
- ³³JumpStart
- ³⁴Dreber
- ³⁵Malawi
- ³⁶Bumcrot et al.
- ³⁷South Dakota
- ³⁸Idaho
- ³⁹Pennsylvania
- ⁴⁰New Jersey
- ⁴¹New York
- ⁴²instrumental variables regression analysis
- ⁴³Chile
- ⁴⁴Moor
- ⁴⁵Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
- ⁴⁶International Network on Financial Education (INFE)
- ⁴⁷Likert scale.
- ⁴⁸Eta

⁴⁹ تا 6 حد مطلوبیاست

⁵⁰ طبق سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران در سال 1390 نسبت زنان به مردان در استان تهران عبارت است از 49 درصد زن و 51 درصد مرد